

سبک تربیت



رفتار پدر و مادر، بستر اصلی تربیت بچه‌ها

فرزندم! مثل من رفتار نکن

پنهام صدقی

بی اف اسکینر، نویسنده، روانشناس و از بزرگ ترین رفتارگرایان معاصر معتقد بود انسان‌ها به طور ذاتی نسبت به کسی که آنها را تشویق می کند یا مهربانی رفتار می کنند و نسبت به کسانی که با آنها یا خصم رفتار می کنند، پر خاشاگر می شوند. افلاطون نیز معتقد بود انسان از کودکی پرورش می یابد و نیاز به تربیت دارد و بی شک تنبیه باعث بیداری و هدایت می شود و آن را وسیله‌ای جهت تربیت می دانست. این در حالی است که نظر به پرزاداتی همچون زاک روسو نیز نظرات و اظهاراتی در خصوص تربیت مناسب و صحیح کودک و اثرات تنبیه و تشویق داشته‌اند. در این باره می توان گفت تنبیه آخرین راه برای تربیت کودک بوده و بهتر است به عنوان گزینه نهایی مورد استفاده قرار گیرد.

دورانی حساس به نام کودکی

از مهم ترین، حساس ترین و سرنوشت‌سازترین اندوار و مراحل زندگی هر انسانی، دوران کودکی اوست. اینکه کودکان این مرحله حساس را چگونه پشت سر بگذرانند، امری بسیار مهم است و پدر و مادر در این مرحله در کنسار لذت‌هایی که با کودک خود تجربه می کنند با چالش‌ها و بحران‌هایی نیز مواجه می شوند که لازم است راهنمایی‌های لازم را برای فرزند خود به عمل بیاورند و کمک کنند که فرزندشان از این مرحله با سلامت روانی وارد مراحل بعدی زندگی خود شود. کودکی دورانی سیرشار از علایقت، شادی، انرژی و آرامش برای کودکان است و پدر و مادر وظیفه دارند محیطی را برای فرزندان خود فراهم کنند تا کودک در آن محیط رشد کرده و از این رشد لذت ببرد، اما متأسفانه گاهی برخی از والدین به این امر مهم اهمیت نمی دهند یا تلاش‌ها و بحران‌هایی نیز اهمیت می دهند و برخی کودکان نمی توانند کودکی خوبی را تجربه کنند؛ چراکه آنها علاوه بر نیازها و مراقبت‌های جسمانی و خوراک و پوشاک، نیازهای مهم دیگری مثل نیازهای عاطفی، هویتی، اجتماعی و… دارند که باید به آنها نیز توجه شده و مهم شمرده شوند. چون عوامل مهم، اساسی و تعیین کننده برای زندگی آینده فرد است و باعث پایه‌گذاری و شکل گیری شخصیت بزرگسالی کودک می شود.

تنبیه و تری سیماندار

بی تردید اگر گفتار و رفتار کودکی با گستاخی همراه باشد، افراد دیگر را کلافه، عصبانی و آزرده خاطر می‌سازد. رفتار گستاخانه به عنوان رفتاری ناشایست و ناپه‌نجان شناخته می‌شود و صداالبته، فرهنگ و عرف جامعه مغایر است. سؤال اینجاست در مقابل آن چه کنیم؟ تا حل خشونت و تنبیه کودک؟ اما عواقلی و تبعاتش چه؟
نایه تاسل به این مهم اندیشیده‌ایم؟ اسکینر، این سر دمدار رویکرد رفتارگرایی در رابطه با تبعات تنبیه معتقد است: «تنبیه باعث ایجاد ترس ماندگار در کودک می‌شود. تنبیه باعث می‌شودشخص دچار پرخاشگرگی شود. تنبیه صدمه و آسیب زن به دیگران را توجیه می‌کند، اما ناکافی را باید در تشویق فرزندان و دانش آموزان رعایت کنیم.»

تنبیه، اصطلاحی تخصصی است با معنایی خاص. تنبیه به یک فرزند اشاره دارد. تعریف تخصصی تنبیه با تصور اغلب مردم از خود تنبیه کاملاً متفاوت است. در کاربرد عامه، تنبیه می‌تواند معنای بسیار زیادی داشته باشد که اکثر آنها هم ناخواسته است. مثلاً بسیاری از افراد در تعریف تنبیه، آن را اقامتی می‌دانند که برای فرد خطاکار یا کسی که مرتکب رفتار نامناسبی شده است، در نظر گرفته می‌شود. البته تنبیه هم انواعی دارد. تنبیه مثبت و تنبیه منفی. تفاوت بین تنبیه مثبت و منفی را پیامد رفتار مشخص می‌کند. در اقامتی یک رفتار رخ می‌دهد که در پی آن رفتار یک محرک آزرده نمی‌آید و در نتیجه احتمال رخداد آن رفتار در آینده کمتر می‌شود. جدای از نوع شخصیت افراد، اغلب افراد تأیید شدن را دوست دارند و اگر احساس کنند که کارشان آرزمشند است و دیده شده، این امر باعث انگیزش بیشتر آنها می‌شود. به همین دلیل است که اکثر روانشناسان و صاحب نظران این حوزه کاربردی به اثر تشویق معتقدند. البته تشویق در علم روانشناسی با آنچه در عموم رایج است، تفاوت‌هایی دارد.

۳ تشویق و تقویت مثبت

تشویق یک فرآیند طبیعی است که رفتار انسان و سایر موجودات را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود که عملکرد ما در یک مورد خاص که تشویق شده‌ایم، افزایش یابد. این اصل خود باید درست انجام شود تا تأثیر درستی داشته باشد. در این امر شیوه‌های فرزندپروری نیز نقش بسیار مهمی داشته‌و به جنبه‌ها و مسائل تربیتی کودک از طریق والدین اشاره دارد. به‌گونه‌ای که والدین با شیوه‌های درست فرزندپروری می‌توانند به ارتقا و رشد فیزیکی، اجتماعی، اخلاقی، فکری، هیجانی و استقلال کودک در مراحل بعدی زندگی او کمک کنند. والدین گاهی اوقات از برخی رفتارهای فرزند خود ناراحت می‌شوند. یکی از آنها گستاخی است. این به یک مسئله نگران‌کننده و مهم برای پدر و مادرها تبدیل شده و گاهی آنها را به چاره جویی برای حل این مشکل وادار می‌کند.

تقویت مثبت یعنی چیزی که خوشایند، مطلوب یا ارزشمند تلقی شود و شخص تلاش کند تا به آن دست یابد. بنابراین اگر هر رفتار مطلوبی با یک نتیجه یا پیامد خوشایندی توأم شود، یا هر رفتاری به دنبال خود پاداش داشته باشد، می‌گویند آن رفتار تقویت مثبت شده است. نتیجه آن هم استمرار آن رفتار خوب است. بنابراین با توجه به این حقیقت که انسان موجودی تشویق طلب بوده و آرزو تشویق و پاداش را در ک می‌کند، بی شک استفاده از تشویق بهترین



راه ایجاد، استمرار و توسعه رفتارهای مطلوب است. البته به شرطی که روش استفاده از آن درست و اصولی باشد.

رفتار شما بستر تربیتی کودک است

از جمله عوامل مهمی که می‌توان در ناسزاگویی و گستاخی کودک کاند باشد، باید از آموزش‌های مناسب در زمینه تغییر و اصلاح رفتار بهره بگیرند و چنین رفتاری را زمانی که کودک آنها را مشاهده می‌کند یا اینکه کودک مشغول بازی و سرگرمی است، اما گوش اومی‌شوند، انجام ندهند و اگر اشتباهای اتفاق بیفتد باید در حضور فرزند خود از یکدیگر و حتی از فرزند خود نیز عذرخواهی کنند، چون بچه‌ها چیزهایی را که می‌بینند و می‌شنوند را به سرعت یاد گرفته و الگو برداری می‌کنند. کودکان از طریق برخی دوستان، همسالان، فیلم‌ها و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هم در خطر هستند و این از طریق نیز می‌توانند رفتار گستاخانه و ناسازگارانه را یاد بگیرند. یا در بعضی فیلم‌ها و فضاهای مجازی تصاویری را می‌بینند یا جملاتی را می‌خوانند که مناسب سن آنها نیست و نمی‌توانند آنها را دنیای واقعی و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، تطبیق دهند. پس رفتار شایسته والدین، بهترین راهکار و راه‌حل کاربردی برای مقابله با این مسئله و مغلل اساسی است. ما که نمی‌توانیم رفتار غلطی داشته باشیم و به فرزند خود بگوییم مثل ما رفتار نکنند. والدین باید بستر امنی برای

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

د

از جمله عوامل مهمی که می‌توان در ناسزاگویی و گستاخی کودکان به آنها اشاره کرد، یادگیری رفتار ناسازگارانه از طریق والدین است. اگر والدین دلیل این ناسزاگویی و گستاخی در کودکان باشند، باید از آموزش‌های مناسب در زمینه تغییر و اصلاح رفتار بهره بگیرند و چنین رفتاری را زمانی که کودک آنها را مشاهده می‌کند یا اینکه کودک مشغول بازی و سرگرمی است، اما گوش او می‌شوند، انجام ندهند و اگر اشتباهای اتفاق بیفتد باید در حضور فرزند خود از یکدیگر و حتی از فرزند خود نیز عذر خواهی کنند، چون بچه‌ها چیزهایی را که می‌بینند و می‌شنوند را به سرعت یاد گرفته و الگو برداری می‌کنند

د

که زمانی که کودک گستاخی و ناسزاگویی کرد، هرگز او را با تهدیدهای غیر ممکن نترسانید. تهدیدهایی همچون: «هن دیکه پدر تو نیست»، «از پیش تو میرم و دیکه هیچ وقت نیام پیشت» و… مطالعات علمی نشان می‌دهد، بهتر است احساس امنیت را از فرزند خود نگیرید و با آرامش و رفتار صحیح، رفتار صحیح را به او یاد دهید. به او بگویید: «هن از رفتار تو ناراحت شدم و این رفتار را دوست ندارم.» نه اینکه «هن دیکه تو را دوست ندارم.» با نگاهی دوراندیشانه‌تر به موضوع، اگر با تندی و پر خاشگرگی و بشریت باشد. این کتاب پیمایشی جامع و کامل پیرامون هستی اسان است که می‌گوید اکثر انسان‌ها، با وجود نواقض آشکاری که دارند اساساً خوب هستند.

پاداش به خاطر رفتار خوب

در سلسله تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده از سوی کارشناسان، روانشناسان و پژوهشگران این حوزه اساسی، رابطه بین تشویق کردن کودک از سوی والدین و کنترل رفتارهای نامطلوب و گستاخانه از سوی کودک به اثبات رسیده است. تحقیقات حاکی از این است که تشویق کردن کودک، زمانی که رفتار مناسبی انجام می‌دهد و توجه و محبت بیشتر به کودک، زمانی که رفتار مطلوبی دارد و در مقابل توجه نکردن به کودک و کم کردن تشویق‌ها و پاداش‌ها، زمانی که رفتار نامطلوبی انجام می‌دهد و گستاخی می‌کند، باعث می‌شود کودک سعی کند رفتار مطلوب مورد نظر پدر و مادر را بیشتر انجام داده و تکرار کند تا تشویق شود. پاداش بیشتری دریافت کند و مورد حمایت و محبت والدین خود قرار گیرد، چون این امر برای اولادت‌بخش است.

۷ تربیت بر مبنای الگوی دینی

جان کلام اینکه خوب می‌دانیم که دین مبین اسلام به‌عنوان بهترین، کامل‌ترین و جامع‌ترین دین برای هدایت زندگی بشر از سبب خلق یکتا فرستاده شده است و جامعیت و کمال دین در تمام زمینه‌ها جریان دارد. یکی از آن چشمه‌های چوستان که از آن قیاسوس بیکران الهی سرچشمه گرفته است، تربیت و پرورش و شگوفایی فرزندانِ مودب و با نیت، مؤمن و معتمد، خوش‌اخلاق و با استعدادهای درخشان است. با کمال تأسف باید بیان داشت این تربیت دینی امروزه مورد غفلت برخی خانواده‌ها واقع شده است. شوخی‌خانه‌ها باید گفت در خیل عظیمی از خانواده‌ها، فرزندان براساس موازین و الگویی دینی تربیت نمی‌شوند. ریشه‌شان نیز شاید از ناآگاهی نشئت گرفته از کمبود مطالعه در حوزه دین و سبک زندگی ایرانی – اسلامی و تربیت دینی است. این مسئله متأسفانه از بزرگ‌ترین کمبودهای فرهنگی، دینی و مذهبی در جامعه علم‌رولشناسی و همچنین جامع و تمدن‌های گوناگون شرقی و غربی شیوه‌های مختلف رسیدن به آنها بیان شده، اما قطعاً تربیتی ایده‌آل تر است که بر مبنای اصول و ضوابط دینی و اخلاقی، عرفی و اعتقادی باشد.

تربیت فرزندان آینده بر اساس معیارهای روز

در برخی خانواده‌ها دیده می‌شود که آنان اصول تربیتی خود را بر اساس الگوهای سنتی قرار می‌دهند. به عبارتی می‌توان گفت که ما فرزندان آینده را، امروز بر اساس الگوها و متر و معیارهای دیروز تربیت می‌کنیم و در نتیجه مشاهده می‌کنیم که آنچه‌ما می‌خواستیم، نشدند در عصر اینترنت آنها در معرض موجی قرار دارند که در گذشته باید آنها را در مقابل این امواج مصنوع‌سازی می‌کردیم، اما به خاطر اینکه ما مهارت‌های فرزندپروری را اندیشیم و به دنبال کسب آن هم نودیدیم، این موضوعات را نتوانستیم به فرزندان مان آموزش دهیم. به‌عنوان مثال بیش از ۷۰ درصد از بچه‌های زیر ۱۰ سال خود غذا نمی‌خورند و به قول معروف بد غذا هستند. اگر از والدین گرامی این فرزندان این سؤال را بپرسند که مقصر کیست؟ سؤال کننده چه پاسخی خواهد شنید؟

با کمی تأمل در این سؤال متوجه این موضوع می‌شویم، هنگامی که خاوندان این طفل را در دامن مادر قرار داد، در همان ساعات اولیه بعد از تولد این فرزند را در آغوش مادر می‌جای می‌دهند. در همین حین این کودک است که به دنبال منبع تغذیه خود می‌گردد و با تماس با سینه‌ی مادر شروع به مکیدن می‌کند. حال چرا این طفل بعد از گذشت چند سال مادر را وادار می‌کند که با بشقاب به دنبال او بیدود و با کلی وعده سر خرمن و وعید پوچ و دروغین از ناحیه والدین شاید او یک قاشق غذا بخورد و در نهایت هم ناز می‌کند که نمی‌خورم!
توانند این ارتباط را با فرزند خود برقرار کنند. به دنبال منبع غذا بگردند، اما امروز غذائی خود؟ پرواضح است که برخی پدران و مادران آن دسته از مطالبی که باید راجع به تربیت فرزندان خود بدانند را آموزش ندیده نمی‌دانند و در نتیجه نمی‌توانند این ارتباط را با فرزند خود برقرار کنند. این موارد هیچ ارتباطی با تحصیلات آکادمیک یا سواد بالا و پایین پدر و مادرها ندارد، چون خود یک مهارت است و اینجا جا دارد والدین محترم روش‌های تربیتی که دین، آنها را به‌عنوان الگو ارائه کرده مطالعه کنند.

سبک نگرش



روتخر بر گمان در کتاب تازه خود بار دیگر از خوبی ذاتی بشریت دفاع می‌کند

ما همه خوییم کرونا هم این را ثابت کرد!

می‌گوید مردم اگر به حال خود وا گذاشته شوند، چنان علیه هم می‌شورند که «جنگ همه علیه همه» به با می‌شود. بنابراین آنها محتاج نهادهای تمدن هستند تا غریزه‌های بنیادین شان را مهار کند. در سوی دیگر، ژان ژاک روسو ایستاده که مدعی است «لسان طبیعتاً خوب است و دقیقاً در اثر همان نهادهاست که انسان شریر می‌شود.»

بر گمان نشانمان می‌دهد که هابز چگونه در این باب شمشیر دو لبه را برافروشد. جامعه و نهاد‌های کلیدی‌اش (مدارس شرکت‌ها و زنان‌ها) بر اساس مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های غم‌انگیز پیرامون طبیعت بشر طراحی شده‌اند، اما به گفته بر گمان، شواهد علمی حاکی از آنند که آن پیش‌فرض‌ها بدجو ر مخدوش هستند و ما انسان‌ها مدت‌هاست که خودمان را غلط فهمیده‌ایم. بر گمان دانه‌دانه سنگ‌های زیربنای آن شناختی را برمی‌افکند که می‌گوید ما موجودات سنگدل و بی‌عاطفه‌ای هستیم که روکشی از تمدن روی خودمان کشیده‌ایم. بر گمان می‌گوید آن شناخت وعده‌ای بود که باور به آن همانا و محقق شدنش همانا، اگر مردم بدترین انتظا را از همدیگر داشته باشند، همین انتظار هارخ می‌دهند. او استدلال می‌آورد که طبیعت حقیقی ما بر مدار مهربانی، مراقبت و همکاری می‌رخد در گذشته چنین بودهایم و باز هم می‌توانیم چنین باشیم. بشریت داستان هبوط است. در آن زمانی که شکارچی گردآورنده بودیم، در صلح و صفا در باغ عدن پرسه می‌زدیم؛ بعد دور یک میز کم‌زمن حصار کشیدیم، گفتیم مال ماست، ملک اقبال کرده‌ایم و دفاع از آن ساکن شدیم، جنگ‌ها آغاز شدند و مصومیتمان از دست رفت. ما باید، به هر طریق که شده، راه برگشتمان به آن باغ را بیابیم. قبول دارم که اینجا جمع‌بندی من از آن کتاب است. ولی بخشی تحت‌عنوان «گونه دیگر» هم در این کتاب هست. من تأکید می‌کنم که حقیقتاً حرفم این نیست که آدم‌ها خوبند، عنوان هلندی کتاب این است: «اکثر مردم خوبند»

در باره سن و سالش هم حرف زدیم، خصوصاً این مسئله که آیا نوشتن چنین کتاب جورانهای با این دانه گسترده از مدعاها و اراده حمله به بزرگ‌تراها (چون کنایش حاوی ضربات مکرری به غول‌های اودی اودی از هیول هری، مالکوم گلدول و استیون پینکر است)، مستلزم اعتمادبه‌نفس ایام جوانی است یا خیر بر گمان آفرار کرد که «من به انسان خردمند حسودی ام می‌شد.» او می‌گوید خوش اقبال است. او پارسل هم مدتی کوتاه در فضای وب شهره شد؛ در داووس، به مخاطبانش حمله کرد و گفت چقدر مضحک است که پولدارها و هزار و ۵۰۰ جت شخصی آمده‌اند تا بابت بحران اقلیم پای سخنان دیوید ایتنور و بنشینند و صداالبته اینکه مالیات نمی‌دهند یا حتی این واژه را به زبان نمی‌آورند. او گفت احساس می‌کند «در همایش آتش نشانان است و هیچ کس اجازه ندارد درباره آب حرف بزند.» او با کتاب «آمان‌شهری برای واقع‌بینان» هم خبرساز شده بود که خواستار مضحک به حساب می‌آمد، ولی اکنون که حکومت انگلستان ۸۰صدستندزدهم است، او را که به‌خاطر بحران ویروسی به مرخصی رفته‌اند، می‌دهد، اساساً به جریان اصلی تبدیل شده است. «بشریت» ادامه منطقی همان اثر پیشین است. او در تماسی که از طریق زوم از خانه مشترکش با همسر عکاسش در هلند با من گرفت، گفت: «در آن کتاب، من یک عالم شواهد جمع کردم که نشان می‌داد آن ایده واقعاً نمر بخش است.» آن شواهد به‌صورت مستدل نشان می‌داندند «که می‌شود به مردم بول مفت بدهید و آنها هم این پول را خرج موادمخدر نکنند.»دانیل، این امکان است واقعاً ایده‌های شگفت‌انگیزی مطرح کنند و شاید یک کسب‌وکار جدید آغاز نمایند تا سریع شغل متفاوتی بروند.» همین که تبلیغ آن کتاب به بحث مسئله‌ای عظیم‌تر از سازوکار درآمد پایه همگانی می‌رسد؛ بحث درباره طبیعت انسان.

او باید شکاکان را قانع می‌کرد که نوع بشر اساساً خودخواه، تنبل، یا بدتر از اینها نیست. این کتاب اعلام می‌کند که قرن‌هاست مباحثات سیاسی حول یک استدلال حیاتی پیرامون طبیعت بشر می‌چرخند در یکسو توماس هابز ایستاده که مؤکد می‌تغلیص از:وب‌سایت ترجمان نوشته:جاناتان فریدلند /ترجمه:محمد معماریان /مرجع:گاردین